

اتونومی دموکراتیک و کردستان اتونوم دموکراتیک

اتونومی دموکراتیک، مختص به هویتها و تمایزات ملی و دینی در درون دموکراسی است؛ تشکیلی خصوصی و به معنای کسب آزادی می‌باشد. این آزادی و اتونومی تنها برای کردها نیست، با مطرح‌بودن ترکیه، ترکها را نیز دربر گرفته و ...تحقق‌ساز حقوق تمام



مصطفی قره‌سو

رهبری ما به دفعات در راستای چاره‌یابی مشکل کرد، در هنگام ارایه پیشنهاد در مورد اتونومی (خودمدیریتی، خودمختاری) دموکراتیک، این را نه تنها جهت آزادی و دموکراسی خلق کرد بلکه آن را در راستای آزادی و دموکراسی خلق ترکیه ارزیابی نمود. مشکل کرد به عنوان یکی از مهم‌ترین مشکلات اساسی خاورمیانه به منبع بسیاری از مشکلات این منطقه تبدیل شده و در نتیجه آن، بسیاری نارسایی‌ها و واپس‌گرایی خاورمیانه به میان آمده و بنابراین، ممانعت از ظهور تحولات لازمه بسیار خوب قابل درک است. عدم چاره‌یابی مشکل کرد نه تنها برای خلق کرد بلکه برای خلق‌های دیگر خاورمیانه تأثیراتی ناگوار را به همراه می‌آورد. رهبری‌مان اساسی‌ترین علت دچار آمدن مشکلات ملی در خاورمیانه تا این میزان بن‌بست را ملی‌گرایی نشأت‌گرفته از غرب و ملت-دولت‌هایی می‌بیند که می‌خواهند بر این اساس به‌پیش ببرند. بر سرچشمه مشکلات موجود در خاورمیانه اعم از؛ مشکل عرب-اسرائیل، همچنین درگیری‌های مابین کردها با ترکیه، ایران، عراق، سوریه که ذهنیت ملت-دولت بوده تأکید کرده است. اگر در میان اعراب، یهودی‌ها، فارس‌ها، ترک‌ها و کردها نگرش ملت-دولت‌گرا نبوده و جستجوهای آزادی و دموکراسی را با ذهنیت ملت-دولت‌گرا و سیاست‌های درپیش‌گرفته‌شان آلوده نمی‌ساختند، امروزه چاره‌یابی مشکلات خاورمیانه خیلی آسان می‌بود؛ موقعیت دیگر خلق‌های خاورمیانه و کردها به وضع موجود نمی‌رسید. رهبر خلق کرد هم با مشاهده این واقعیت تاریخی و هم با فهمی که از تجارب کسب‌شده در طی 35 سال مبارزه بی‌امان به‌دست آمده، عدم چاره‌یابی مشکلات را از طریق بینش ملت-دولت و ملی‌گرایی به‌شکلی بسیار گسترده در تحلیلات ایدئولوژیک و تئوریک و ارزیابی‌های سیاسی نشان می‌دهد. رهبری‌مان با احساس مسوولیتی عظیم در برابر مجادله رهبری‌کردن و خلق و هم با ارزیابی خوب تجارب کسب‌شده، تحلیل

واقعیت ارایه انتقاد و خودانتقادی و تحولات سیاسی دنیا همراه با مشکلات به‌میان‌آمده رئال سوسیالیسم به نوسازی مهمی در دیدگاه ایدئولوژیک و تئوریک PKK دست زده است. هدف اساسی از این‌ها گسست از ذهنیت اقتدارگرا و دولت‌گرا می‌باشد. رهبری ما نه‌تنها در راستای کردستان و خاورمیانه بلکه سرچشمه اصلی ناگواری‌ها را برای تمام دنیا و انسانیت با ذهنیت اقتدارگرا و دولت‌گرا و کیفیت کسب‌شده ملت-دولت‌گرای همراه با کاپیتالیسم مرتبط ساخته است. در نتیجه این نیز، تغییر برنامه را در اساس کار PKK پیشنهاد کرده است. جهت انصراف از نگرش ملت-دولت، عدم صحت بینش "برای هر ملتی یک دولت" و تحمیل دیدگاه ممکن‌دیدن فقط ملت-دولت توسط ادعای نیروهای حاکم بر ملت برای چاره‌یابی مشکلات ملی همچنین چاره‌یابی مشکلات ملی بدون تشکیل ملت-دولت را نیز مشخص ساخته است.

ذهنیت ملت-دولت‌گرا نه‌تنها برای خلق‌ها و ملل سرکوب‌شده، در عین حال بدون کسب فایده‌ای برای خلق‌ها و جوامعی را هم که با ذهنیت ملت-دولت‌گرا حاکم بوده‌اند، این را بر اساس جنگ‌های تراژیک به‌وقوع‌پیوسته در تاریخ، به‌شکل واضح‌تری نشان داده است. همچنانکه می‌دانید، تأثیرات رئال سوسیالیسم و به‌ویژه نظریه‌لنین و استالین به‌شکل "حق تعیین سرنوشت خلق‌ها توسط خود" و "برای هر ملت، یک دولت" PKK را نیز تحت تأثیر قرار داد. در اساس، نظریه برای هر ملت، یک دولت؛ نظریه سوسیالیست‌ها نیست. این بیشتر قبول نگرش "برای هر ملت یک دولت بورژوازی ملی" کاپیتالیسم از سوی سوسیالیست‌ها می‌باشد. همچنانکه می‌دانید در اوایل سده 20، 14 ماده ویلسون، رییس دولت آمریکا وجود دارد که از سوی جمعیت - اقوام مورد قبول قرار گرفت. در درون این 14 مورد، ماده حق تعیین سرنوشت خلق‌ها توسط خود نیز به‌عنوان یک مبدأ اساسی پذیرفته شده است. بورژوازی ملی با درنظرگرفتن یک دولت ملی و نگرش ملت-دولت‌گرا برای خود به تشکیل دولت پرداخته و جهت سیر تحولات بر این اساس، نظریه "امکان تأسیس دولت برای ملل دیگر" را نیز با عناصر ذهنیتی خود مناسب دیده‌اند.

ذهنیت پشت پرده مبدأ حق تعیین سرنوشت ملت‌ها به دست خود، در اساس، ملی‌گرایی و ملت-دولت‌گرایی است. بینش ملت-دولت‌گرا نیز خواه ناخواه در مقابل ملل دیگر، می‌خواهد خود را به‌شکل نیرومندی سرپا نگه دارد. در نتیجه به درازایی سده بیستم صحنه درگیری‌هایی بود که از ذهنیت ملت-دولت‌گرا نشأت می‌گرفت. جنگ جهانی اول و دوم، نمونه آشکار آن می‌باشد. به‌علت ذهنیت شوون ملت-دولت‌گرا، بر روی شماری خلق و ملت، حاکمیت ایجاد گشته، در نتیجه آن نیز، ملت‌ها و خلق‌های سرکوب‌شده با استفاده از همان ذهنیت جهت ایجاد ملت-دولت‌های خود در درون جنگی در مقابل نیروهای استعمارگر امپریالیست قرار گرفتند. در اصل، بنیان ذهنیتی که موجب وقوع این جنگ‌ها شد نیز از بسیاری جهات، ذهنیت ملت-دولت‌گراست. ماهیت ملی‌گرایی ملت-دولت‌گرایی، هدف قراردادن نابودی بسیاری ارزش‌های متعلق به خلق‌ها به شکلی متفاوت‌تر از امپریالیست‌ها و استعمارگری دوره بردگی و فئودال بوده که این نیز خواه ناخواه عمق بیشتری را به جنگ‌ها داده است.

رهبری ما با رد بینش ملت-دولت از منظری ایدئولوژیک بسیار خوب پی برده که جستجوی مشکل کرد با ذهنیت ملت-دولت‌گرا جنگ‌های موجود در خاورمیانه را تعمیق بخشیده، درگیری‌های بسیار خونینی را با خود به‌همراه آورده و چاره‌یابی را دشوارتر می‌سازد. به‌همین دلیل با لزومات بینش سوسیالیستی نیز بر چاره‌یابی آسان‌تر مشکل کرد با برادری با خلق‌ها و در درون مرزهای موجود دولت تأکید کرده است. PKK در گذشته نیز از یک برخورد جستجوی چاره‌یابی همراه با برادری با خلق‌ها و در درون مرزهای موجود برخوردار بود. تأثیرپذیری از ذهنیت ملت-دولت‌گرا و همچون سوسیالیست‌ها برداشت حق تعیین سرنوشت ملت‌ها توسط خود و حق ایجاد یک دولت برای هر ملتی، PKK را در جستجوی چاره‌یابی بر اساس برادری با خلق‌ها و در درون مرزهای موجود با ضعف‌هایی روبه‌رو ساخته است. ترکیه اگر در درون مرزهایش نیز به‌دنبال حلی صمیمی باشد، جهت گذار از ذهنیت ملت-دولت در ارایه پیشنهادات راه‌حلیاب و باثبات‌تر بی‌کفایت مانده؛ یا نیز در نشان‌دادن برخوردی بسیار نیرومندتر قرار نگرفته است. به‌همین علت نیز، در موضوع چاره‌یابی دموکراتیک مشکل بر اساس برادری خلق‌ها انسیاتیو (ابتکار) نیرومندی را دست نیافته است. اگر از

ذهنیت ملت- دولت‌گرا رهایی می‌بود، در چاره‌یابی مشکل با پیشنهادات معقول و مقبول، می‌تواند انسیاتیو را به‌دست گرفته، با قبولاندن آن به جامعه و عموم دموکراتیک ترکیه، ممکن بود بستری محکم در موضوع چاره‌یابی هموار شود. بر این اساس، امکان ایجاد فرصت‌هایی جهت چاره‌یابی مشکل وجود دارد. اساساً چند بار پیشنهادات معقول و قابل‌قبولی ارائه شده و در فراخوانی‌ها نیز صورت گرفتند. در کنار نارسایی‌هایی مذکور ما حداکثر نیز برخورد بسیار قاطع ذهنیت استعماری انکارگرا سد راه پیشرفت‌ها در موضوع چاره‌یابی گشت.

از سال 2002 به بعد رهبری ما با برخوردی به‌تمامی به‌دور از ذهنیت ملت- دولت‌گرا پیشنهاداتی را جهت چاره‌یابی مشکل کرد ارائه نموده است. بر اساس قبول هویت خلق کرد و آزادی زنان، هویت و سیاست چاره‌یابی این مشکل را بدون برهم‌زدن مرزها به دفعات اذعان نموده است. PKK در این‌باره به‌گونه‌ای به‌دور از برخوردی دولت‌گرا از کنگره هفتم تاکنون به دفعات پروژه‌های حل صلح‌جویانه و دموکراتیک را ارائه نموده است. در همه این پروژه‌ها چاره‌یابی دموکراتیک دارای ماهیتی است که می‌خواهد ترکیه بدون تغییر مرزهایش اساسی‌ترین حقوق دموکراتیک خلق کرد را بر اساس دموکراتیزاسیون ترکیه قبول نماید. بیش از ده پروژه حل دموکراتیک مطرح شده‌اند. هیچ‌کدام از این‌ها دارای هیچ طلبی برای فدراسیون و دولت نبوده و از برخورد "در درون ترکیه از اینجا تا بدانجا مرز بکشند؛ این حقوق را در درون این چارچوب بدهند" برخوردار نیست. اساس و محتوای تمامی این پروژه‌ها در قلمرو حلی بود که رهبر خلق کرد از 1994 به‌بعد به‌عنوان اتونومی دموکراتیک تعریف کرده است. در این چارچوب، می‌توان پیشنهادات حل مشکل را در تمامی پیشنهادات چاره‌یابی رهبر خلق کرد و PKK از سال 2000 به‌بعد را در چارچوب اتونومی دموکراتیک مشاهده نمود.

با نگاه از این چارچوب، اگر از هر زاویه‌ای پیشنهاد اتونومی دموکراتیک رهبر خلق کرد مورد پرسش قرار گیرد، به‌شکل بسیار آسان و ساده‌ای می‌توانیم پاسخ دهیم. اتونومی دموکراتیک، تحقق اساسی‌ترین حقوق ملی - دموکراتیک خلق کرد در چارچوب دموکراتیزاسیون ترکیه می‌باشد. صحیح در معنای واقعی، در کشوری که دموکراتیزه می‌شود، به‌طور قطع، حقوقی که بایستی در مورد هر یک از تمایزات ملی، اتنیک و جمعیت‌های دینی در نظر گرفت، می‌تواند مورد شناخت قرار گیرد. مطرح‌بودن مشکل کرد؛ قبول هویت کرد در قانون اساسی، آموزش به زبان مادری، اعطای آزادی به فرهنگ کردها و دیگر فرهنگ‌ها؛ قبول هویت کرد همراه با آزادی فکر، سازماندهی و سیاست آزاد و در ارتباط با این‌ها نیز، گفتگوی مشکلات خود در محلات بر اساس مطرح‌کردن اراده خلق کرد توسط خود، حل بعضی مشکلات به‌دست خود، در مورد بعضی مشکلات نیز انتقال مطالبات به حکومت مرکزی و تقبل مجالس منطقه‌ای در چارچوب دموکراتیزاسیون ترکیه می‌باشد. اتونومی دموکراتیک چنین تعریف می‌گردد.

اتونومی دموکراتیک، مختص به هویت‌ها و تمایزات ملی و دینی در درون دموکراسی است؛ تشکلی خصوصی و به‌معنای کسب آزادی می‌باشد. این آزادی و اتونومی تنها برای کردها نیست، با مطرح‌بودن ترکیه، ترک‌ها را نیز دربر گرفته و تحقق‌ساز حقوق تمام جمعیت‌های اتنیک و دینی در درون دموکراسی است؛ استفاده از حق شناخت اجتماعات و افراد به‌صورت "اگر دموکراسی نباشد ممکن نیست" می‌باشد. در اتونومی دموکراتیک، بیانی به‌صورت "از اینجا تا بدانجا مرز می‌گذرد، به اقشار درون این مرز این حقوق داده می‌شود" وجود ندارد، یا نیز چاره‌یابی اتونومی دموکراتیک چنین ماده و هدفی را دربر نمی‌گیرد. امکان اجراشدن اتونومی دموکراتیک در درون سیستم شهری موجود ترکیه، سیستم ایالتی (به‌عبارتی دیگر استانی) و منطقه‌ای متفاوت‌تر نیز وجود دارد. بنابراین، جهت اجرای اتونومی دموکراتیک، ساختار شهر، ایالت، منطقه و یا فدراسیون یا نیز موجودیت مدیریت اداری در این جهت یا نیز یک شرایط نبود مطرح نمی‌باشد. این‌ها با ساختارهای اداری مورد پذیرش سیستم سیاسی موجود در هر کشوری امکان دارد. اتونومی دموکراتیک نیز ساختار اداری هر چه باشد می‌تواند هویت جمعیت‌های مختلف اتنیک در درون دموکراتیزاسیون و بر این اساس، یک حقوق و ارتباط سیاسی، ایجاد زمینه آموزش به زبان مادری، آزادی فرهنگی، اعمال سیاست همراه با هویت خود بر مبنای آزادی فکر و سازماندهی را بشناساند. مجالس محلی نیز، امروز لازمه دموکراسی می‌باشند. اگر به دنبال چاره‌یابی مشکل بر اساسی دموکراتیک بوده و این حقوق را

بشناسد، آنگاه جامعه مورد نظر با سازماندهی خود مجالسش را ایجاد کرده، برخی مشکلاتش را حل نموده یا نیز طی گفتگو در اینجا مطالباتش را مشخص ساخته، به مرکز انتقال داده که به معنای تحقق لزومات اتونومی دموکراتیک می‌باشد. ممکن است مجالس همچون یک نیروی کانونی جدا، مجلسی آترناتیو در مقابل دولت و یا مجالس مرکزی دیده شود؛ چنین دریافتی صحیح نیست. این مجالس محلی، همچنانکه مجلس آترناتیو نبوده از یک موقعیت آسان‌سازی فعالیت‌های مجالس مرکزی برخوردار نمی‌باشد. مجالسی هستند که مانع از رفتن هر مشکلی به مرکز می‌شوند. با چاره‌یابی بسیاری مشکلات در منطقه، اساساً به علت مشکلات کوچک در میان مرکز و منطقه، این و آن مشکلات، از ایجاد مشکل و بحران ممانعت به عمل می‌آورند. بنابراین نیز ارزیابی آنها به‌عنوان نهادهایی که به ارتباطات و مناسبات دموکراتیک و سالم‌ترشدن ادامه موجودیت و همه‌گیری دموکراسی یاری می‌رسانند لازم می‌باشد. بایستی این نهادهای لازم دموکراسی را به‌عنوان یک حق طبیعی دیده و هم به‌عنوان نهادهای خدمتگزار محکم‌شدن هماهنگی و اتحاد دموکراتیک در نظر گرفت. این مجالس، نه تنها به تقسیم و بخش‌کردن، برعکس با ایجاد بخش‌کردن و تقسیم در ابتدا با حل معضلات و مشکلات در جای خود، دشواری اتحاد و یکپارچگی را برطرف ساخته، از گرفتارآمدن به توقف و ایستایی جلوگیری نموده و کلیت و یکپارچگی را نیرومندتر می‌سازند.

به علت وجود انکارگرایی بیش از حد کرد در ترکیه یا نیز به علت سرایت بیماری ذهنی تجزیه به علل تاریخی به سران دولت تا تحتانی‌ترین گروه‌های جامعه بلافاصله به اصطلاح اتونومی واکنش منفی نشان داده شده است. همچنانکه می‌دانید در تقسیمات عثمانی‌ها، خواست رسیدن هر ملتی به یک دولت و از نتیجه تحقق آن، هر طلب کرده‌ها هر اندازه که معقول هم باشد بلافاصله با یادآوری این گذشته، همچون ایجاد یک دولت تلقی گشته و در هنگام تقسیمات در شکل آن، یک گمان و هراس ایجاد می‌گردد. قطعاً این‌ها پیش‌داوری‌هایی است که بایستی به‌کناری گذاشته شوند. دیگر در سده‌های 19 و 20 زندگی نمی‌کنیم. حال آنکه اصطلاح اتونومی در نظر گرفته‌شده امروز PKK دارای کیفیتی است که نباید این‌گونه ترس‌ها و نگرانی‌ها را به‌همراه بیاورد. اتونومی دموکراتیک آرایه‌شده از سوی رهبر خلق کرد و DTP (حزب جامعه دموکراتیک) بیان هیچ‌گونه مرزی نیست. در اینجا اتونومی حتی تمایزات خود را ظاهر ساخته و نیز تنوعات را می‌پذیرد. اگر در جایی تفاوت‌ها مورد قبول واقع شوند، خواه ناخواه به نوعی خصوصیات و موارد مختص به آنها به‌وجود خواهند آمد. همه جای‌گرفتگان با زبان، هویت و فرهنگ به اشکال مختلف خود را بیان خواهند کرد. تکرنگ امکان‌پذیر نخواهد بود. در درون رنگی دیگر حل نخواهد شد. در این چارچوب این ذوب‌نشدن، قبول تمایزات و مختص‌بودن هویتی لازم است. این، اتونومی دموکراتیک مطرح‌شده از سوی رهبر خلق کرد می‌باشد. یعنی در درون دموکراسی، پذیرش تمایزات؛ بنابراین در درون دموکراسی پذیرش هویت کرده‌ها، آموزش به زبان مادری، تحقق آزادی فرهنگی و اعمال سیاست آزاد با اتونومی دموکراتیک قابل اجراست. این اتونومی را هر کسی می‌شناسد یا نیز چگونه به‌وجود می‌آید؟ با حساس‌شدن دموکراسی ترکیه، این اتونومی تشکیل می‌یابد. در درون مرزهای موجود ترکیه، دموکرات‌شدن جهت تقبل و برخوردارشدن کرده‌ها از یک سری حقوق دموکراتیک، به‌عنوان یک لزوم نهادینه‌شدن دموکراسی در تحقق اختصاصی‌بودن تمایزات همراه با نام ترکیه رابطه‌ای که اتونومی دموکراتیک گفته می‌شود به‌واقعیت می‌پیوندد. در غیر این‌صورت با گفتن اصطلاح اتونومی و بلافاصله ارزیابی آن به‌شکل کشیدن مرز و تجزیه ترکیه اشتباه است؛ پیش‌داوری است؛ انحراف است. در نتیجه از زمان تشکیل برنامه اتونومی دموکراتیک حزب جامعه دموکراتیک به‌بعد این انحرافات به‌شکلی آگاهانه ایجاد شده است.

بیشترین واکنش در برابر جای‌دادن اتونومی دموکراتیک در برنامه DTP نیز به‌علت پیشنهاد سیستم اداری به‌شکل ایالت در برنامه می‌باشد. این سیستم اداری به‌عنوان یک خط‌کشی مرزی و تجزیه ترکیه تعبیر شده است. صحیح‌تر اینکه آنهایی که دارای نیت چاره‌یابی نیستند، با تفسیری از روی زور، واقعیت را منحرف ساخته‌اند. سیستم ایالتی پیشنهادی DTP با شناخت بخشی از اختیارات مرکزی محلات همچنانکه در بسیاری از جاهای دنیا وجود دارد، به فعالیت مؤثرتر آنها گرایش می‌یابد. پیشنهاد این ساختار اداری "با کرد ممکن است یا ممکن نیست" ارتباطی ندارد. زمان‌هایی "کنان

اورن" و دیگر سیاستمداران مهم شناخته شده نیز پیشنهاد کرده اند. در گذشته ها در مجلس در این راستا گفتگوهای صورت گرفته اند. در پلاتفرم های دیگر هم این مباحث به میان آمده اند. هدف از این بحث ها، رسیدن به جواب "مفیدترین سیستم اداری می تواند چگونه باشد" است. سیستم ایالتی پیشنهادی DTP نیز با هیچ گونه گرایشی که از یک ذهنیت ملت دولت گرا نشأت گرفته یا نیز همچون دولت "من نیز مرزی را بکشم" مطرح نشده است. این سیستم اداری پیشنهادی، شکلی وسعت یافته تر از سیستم شهر می باشد. در راستای اتونومی دموکراتیک شهر نیز سیستم ایالتی درخواستی سیستم جامعه دموکراتیک ضروری نیست. جهت اتونومی دموکراتیک حزب جامعه دموکراتیک اگر دیگر مطالبات و خواست های پیشنهادی به جای آورده شوند، وجود یا عدم وجود سیستم ایالت آنچنان هم دارای اهمیت نیست. کافی است که در نتیجه تغییرات قوانین و قوانین اساسی، هویت کرد به عنوان رسمی قبول شده، آموزش به زبان مادری در عمل تحقق یافته و کردها بتوانند فرهنگ شان را به شکلی آزاد گسترش دهند. بر اساس آزادی فکر و سازماندهی با این هویت، می توانند هرگونه سازماندهی و سیاستی را اجرا کرده و مجالس محلی را تشکیل دهند.

سیستم ایالت یک مبحث جداگانه می باشد. سیستم ایالت در درون اتونومی دموکراتیک و یا چیزی نیست که در بیرون قرار گیرد. چنین پیشنهاداتی ممکن است یک پیشنهاد مطرح شده نشأت گرفته از فکر CHP و MHP و... نیز حزبی دیگر جهت حل بهتر مشکلات و مدیریت ترکیه باشد. این را بایستی این چنین ارزیابی نمود. در نتیجه هنگامی رهبری مان اتونومی دموکراتیک را پیشنهاد نمود، قطعاً از یک مرز بحث نمی نماید؛ حتی نمی گوید ساختار یونیر برهم زده نشود. یعنی تمام نهادهای ترکیه در کردستان نیز امکان پذیر می باشد. تمام نهادها و... نیز زیرگروه های شان می توانند در کردستان به سازماندهی بپردازند؛ می گوید این مشکلی ایجاد نمی کند. چنین نهادسازی هایی که به معنای ساختار یونیر می آید با اتونومی دموکراتیک در تضاد نیستند. رهبر خلق کرد به عدم صحت برخورد "در صورت وجود اتونومی دموکراتیک، ساختار یونیر از میان برداشته می شود" یا نیز "اگر ساختار یونیر وجود داشته باشد، اتونومی دموکراتیک ممکن نیست" تأکید می نماید. حقیقت این است. در درون ساختار یونیر می توان اتونومی دموکراتیک را ایجاد کرد. در صورت ایجاد اتونومی دموکراتیک نیز، ساختار یونیر از میان برداشته نمی شود. این را بایستی تمام سیاستمداران، مسوولان دولتی، دموکرات ها و کسانی که با مشکل کرد در رابطه هستند بدانند.

همچون نتیجه؛ در هر کشوری هویت یک خلق مورد قبول قرار می گیرد. اگر این خلق می تواند به زبان مادری آموزش ببیند، همچون دیگر فرهنگ ها این فرهنگ نیز از هرگونه امکان و زمینه ای بهره مند شود، هیچ مانعی فراروی آن نباشد، بر اساس آزادی فکر و سازماندهی در پیشروی هرگونه سازماندهی یک خلق مانعی نمانده باشد و با سازماندهی، اراده خود را از درون و جهت بازتاب اراده محلی به مرکز می تواند مجالسی تشکیل دهد، در آنجا اتونومی دموکراتیک وجود دارد. تا این اندازه ساده و قابل فهم و آشکار است. خلق ترک در منطقه اژه نیز می توانند چنین مجالسی محلی را تشکیل دهند. قادر هستند مشکلات معینی را در اینجا حل نمایند. بدین ترتیب، می توانند بار مرکز را سبک تر کنند. نه تنها کردها، چرکسها، نیز قادر می باشند به آسانی هویت و فرهنگ خود را گسترش داده و مجالس شان را تشکیل داده، اما از هرگونه خط کشی مرزی، "این قسمت از خاک مال من، آنجا متعلق به تو" نمی توانند بحث به میان آورند؛ بایستی گفته شوند. در نتیجه، اتونومی دموکراتیک، قبول کامل هویت های جداگانه و به طور طبیعی شناخت آزادی زبان، هویت، فرهنگ ها و سازماندهی آنهاست. اگر کشوری دموکراتیک شود، مجبور است این ها را نیز بشناسد. در غیر این صورت، اگر گفته شود "دموکراتیک شدم اما این خلق ها را نمی شناسم"، آن کشور نمی تواند بحث از دموکراتیک بودنش نماید.

اتونومی دموکراتیک در درون مرزهای ترکیه برای هر کسی صدق می کند یا نیز تمام افراد و اجتماعات در درون دموکراسی می توانند از حقوق اجتماعی و فردی خود استفاده نمایند. "حقوق شخصی ممکن است شناخته شوند اما نمی توانند حقوق اجتماعی را قبول کنند" اشتباه است. کردها یک جامعه می باشند؛ یک فرد نیستند. ترک ها نیز یک جامعه اند؛ یک فرد نیستند. به این دلیل، ترک ها همچون اجتماعی از زبان، هویت و فرهنگ برخوردار بوده و همچون جامعه دارای ارزش های مشترکی

هستند. از ارزش‌ها، نهادها و فرهنگی که به‌طور مشترک توسعه داده‌اند برخوردارند؛ صاحب حقوق مشخصی هستند. بنابراین در نظرگرفتن مشکل تنها بر اساس حقوق فردی اشتباه است. حقوق فردی و بهره‌مندی شخص از حقوق برآمده از جامعه مجبوری می‌باشد. حقوق فردی گسسته از حقوق اجتماعی برای نوع انسان بیانگر معنای فراوانی نمی‌باشد. در کنار حقوق فردی، در عین حال آموزش و انجام فعالیت‌های فرهنگی آن شخص با جامعه‌ای با همان زبان، هویت و فرهنگ، ساخت نهادهای دموکراتیک و مجالس آن، بایستی به‌عنوان نتیجه طبیعی دموکراسی ارزیابی شود. همانطور که آموزش به زبان ترکی ممکن است، آموزش به زبان کردی نیز ممکن می‌باشد. همچنانکه امکان استفاده از ترکی در هنگام برقراری ارتباطات در مکان‌های معین و نهادهای رسمی و ... وجود دارد، کردی نیز بایستی مورد استفاده قرار گیرد. این‌ها را به‌طور قطع بایستی به‌عنوان تجزیه ترکیه در نظر گرفت. حتی در هنگام تحقق این‌ها اتحاد کردها با ترک‌ها و اتحاد تمام خلق‌های ترکیه با کردها محکم می‌شود. بدین ترتیب، برای کردها نیز معنای گفتن "بگذار چنین قلمرویی برای ما هم وجود داشته باشد" نمی‌ماند. حال آنکه وضعیت عینی نیز چنین گفته‌هایی را لازم نمی‌بیند. حتی خط‌کشی یک مرز برای کردها نیز فایده‌ای را دربر نخواهد داشت. چونکه نیمی از جمعیت آنها در ترکیه زندگی می‌کنند. ترک‌ها و عرب‌ها نیز در کردستان زندگی می‌کنند. لازم نمی‌کند این جوامع را از هم جدا نمود. افراد دارای اختیار در دولت و سیاستمداران استعمارگر و انکارجو به‌طور پی‌درپی از ازدواج مشترک بحث به‌میان می‌آورند. این‌ها صحیح نیستند. در نزد ما نیز احتیاجی نیست این ارتباطات را گسسته و چنین تمایزاتی را به‌وجود آورد. مطرح‌نکردن این تمایزات بایستی به‌معنای رد تنوعات و بیان‌کردن خود از سوی تمایزات و فارغ‌سازی از سازماندهی جهت حفاظت از تمایز خود برای آینده درک شود. برعکس، بایستی اتونومی دموکراتیک را محافظ تمایزات و به‌عنوان نیروی تأثیرگذاری که این روابط را نیرومند می‌کند ببینیم. آپو ملت- دولت کرد را نمی‌خواهد و صاحب ذهنیتی ملی‌گرا نیست. تمایزات را به‌عنوان یک برتری و یا بهانه جدایی نمی‌بیند. به‌طور خلاصه، کنار هم آوردن تمایزات به‌صورت غنایی در درون برادری در اتونومی دموکراتیک امکان‌پذیر است. از این امر، هم کردها بهره خواهند برد و هم ترک‌ها.

اتونومی دموکراتیک در عین حال کردستان اتونوم دموکراتیک است

کردستان وطنی است که کردها بر روی آن زندگی کرده‌اند. قبل از آمدن ترک‌ها به آناتولی نیز کردها در خاورمیانه تا به امروز در خاک‌هایی که بدان کردستان گفته می‌شود زندگی می‌کرده‌اند. قبل از تهاجم سلجوقیان از ایران به آناتولی در زمان سلطان سنجر، شاه سلجوقی ایران، به بخشی از این خاکی که کردها در آن زندگی می‌کردند، کردستان گفته شده است. در درون دولت سلجوقی ایران، کردستان همچون یک ایالت یا یک ساتراپ اداره شده است. به‌همین دلیل، به جایی که کردها در آن زندگی کرده‌اند، دادن نام کردستان، چیزی طبیعی می‌باشد. کردستان اتونوم یا نیز آزاد، مگر با لزومات مفهوم ملت- دولت، اگر شهر نیر به‌صورت دولت درآید، اگر دیوارهایی در اطراف کردستان بخشی از خاکی که کردها بر روی آن زندگی کرده‌اند ایجاد شوند، برخورد صورت‌گرفته غلط و ناقص می‌باشد. نگرش تحقق آزادی ملت‌ها توسط ملت- دولت، بینش بورژوازی است که حاکمان تازه ملت‌ها می‌باشند. نتیجه مطرح‌شدن نگرش ملی ملت- دولت‌گرای بورژوازی کاپیتالیسم و مفهوم برای هر ملت و یا کشوری یک دولت، به‌ویژه در سده‌های 19 و 20 میلادی همچون یک دگما در نظر گرفته شده است. امروز اشتباه این بینش نه‌تنها از جنبه پراکتیکی بلکه از لحاظ ایدئولوژیک و تئوریک نیز آشکار شده است. اگر دموکراسی تحقق می‌یافت، کردها با اتونومی دموکراتیک، آزادی‌هایش را می‌زیست؛ در این محیط ارتباط و زندگی نیز آزادی و دموکراسی از امروز به‌بعد مکمل می‌گشت؛ با دوری از ذهنیت ملت- دولت، ملی‌گرایی و مؤسسان آن، در این وضعیت که خیلی بیشتر به بُعد دموکراتیک روی آورده، به‌تمام به آزادی و دموکراسی نزدیک‌تر می‌شد. تجربه کامل دموکراسی و آزادی‌هایش از امروز به‌بعد تنها برای کردها نیست، بلکه برای ترک‌ها، آلمانی‌ها، سویسی‌ها و ... نیز صدق می‌کند. اما در چارچوب اتونومی دموکراتیک، به واقعیت خلق کردی درمی‌آید که آزاد گشته و جستجوگر زندگی دموکراتیک و آزاد است. با آزادشدن خلق و ورود به درون یک زندگی دموکراتیک در

خاک‌هایی که بر روی آن زندگی کرده‌اند، آزادی و اتونومی به‌وجود خواهد آمد. تمایزات خلق کرد در همان شکل اتونومی دموکراتیک تمایزات وطن شفاف خواهند گشت. در اینجا نیز خط‌کشی مرزی وجود ندارد. در نظر گرفتن یک جامعه با زندگی آزاد و آزادی‌هایش با آزاد شدن در وطنی که بر روی آن زندگی می‌کنند تحقق خواهد یافت. وطن، پدیده‌ای است که با جوامعی که در آن زندگی می‌کنند معنا می‌یابد. در آزاد شدن جامعه و زندگی آزاد خواه ناخواه ارزیابی آن وطن به شکل آزاد و اتونوم لازم می‌باشد. از این جهت، همانطور که اتونومی دموکراتیک تجزیه ملت ترک نیست، کردستان اتونوم و دموکراتیک نیز تغییر مرزهای ترکیه و خط‌کشی مرزی جداگانه نیست.

امروزه در کشورهای اروپایی که بسیاری هویت‌های مختلف را قبول کرده‌اند، جغرافیای ساکنان جوامع، همراه با اسم آن اجتماعات شناخته می‌شود. امروزه جغرافیای ساکنان باسک‌های اسپانیایی نیز به‌عنوان منطقه باسک شناخته می‌شود. در انگلیس کسی که کشور را تعریف می‌کند از اسکاتلند و ایرلند بحث به‌میان می‌آورد. به‌جایی که خلق "گال" زندگی می‌کنند، گال‌ها گفته می‌شود. این وضعیت برای بسیاری از جوامع اروپایی مصداق دارد. در کانادا به منطقه‌ای که فرانسوی حرف می‌زنند منطقه "قویچ" گفته می‌شود. این با تجزیه‌کردن هیچ ارتباطی ندارد. برای لزومات دموکراتیک شدن مجبور هستند که این اسم‌ها را تلفظ کنند. همچنانکه تغییر اسم حیوانات، گیاهان و شهرها صحیح نیست، تغییر نام این خاک‌ها نیز درست نمی‌باشد. این خاک‌ها از گذشته تاکنون به‌عنوان کردستان شناخته شده‌اند. در دوره عثمانی نیز طی مدارک رسمی، عنوان کردستان ثبت شده است. در تمام اطلس‌های کشورهای دنیا نام کردستان درج شده است. اعراب به اینجا کردستان می‌گویند. در ایران به جغرافیایی که کردها در آن زندگی می‌کنند کردستان می‌گویند. در ایران در هنگام گفتن کردستان، هیچ‌گونه ناراحتی‌ای به‌وجود نمی‌آید. از این لحاظ، کردستان اتونوم دموکراتیک صورت واضح اتونومی دموکراتیک است. زمانی که اتونومی دموکراتیک تحقق یابد، چه کردستان اتونوم دموکراتیک بگوییم چه نگوییم کردستان اتونوم دموکراتیک به‌وجود می‌آید. از این جهت، موقعیت سیاسی و اجتماعی جغرافیا بایستی به‌عنوان کردستان اتونوم دموکراتیک مورد قبول قرار گیرد. برای قبول این اتونومی دموکراتیک بایستی لزومی وجود داشته باشد. اگر اتونومی دموکراتیک مورد قبول قرار می‌گیرد، زندگی آزاد و دموکراتیک به‌وجود می‌آید، اما اگر به جغرافیای سکونت‌گاه کردها نام کردستان داده نمی‌شود، به‌معنای عدم قبول اتونومی دموکراتیک در معنای واقعی؛ قبول هویت یک خلق اما قبول نکردن خاک سکونت‌گاه وی آمده که این نیز وجود برخی مشکلات را در تغییر ذهنیت نشان می‌دهد. اگر ایران می‌گوید کردستان، در عراق نیز کردستان وجود دارد، نگفتن کردستان به جغرافیایی که اکثریت آن را کردها تشکیل می‌دهند، دارای معنایی منطقی نیست. این برخورد به معنای تداوم‌بخشیدن مشکل به سطح مشخص موجود می‌آید که این نیز برای ترکیه هیچ فایده‌ای را دربر ندارد. به‌طور خلاصه لازم است به اسامی تاریخی تردد نشان نداد. نایبستی از این، نگرانی تجزیه‌شدن به‌وجود آید.

کردستان اتونوم و دموکراتیک از طرفی دیگر، با ذهنیت ملت-دولت‌گرا و ذهنیت‌های ملی‌گرا و نگرش ممکن‌بودن آزادی و استقلال یک کشور تنها با ایجاد دولت نیز فاسد و بی‌پایه می‌گردد. برای آزادسازی یک کشور و شهر نیز دولت لازم نیست. آزادی کشور مستقیماً با زندگی آزاد و دموکراتیک خلقش در ارتباط است. اگر جامعه آزاد و دموکراتیک وجود دارد، آن کشور نیز تحت هر شرایطی آزاد است. حال آنکه ما به‌عنوان انسانیت، دنیایی را که در آن مرزهای دولت از میان رفته و کشورها و خلق‌ها آزاد باشند آرزو می‌کنیم. در آینده مرزها در اروپا از میان برداشته می‌شود، اما از بین رفتن این مرزها به‌معنای نابودی آزادی خلق‌های آن کشور و یا زندگی دموکراتیک آنها نمی‌باشد. برعکس، مرزهای دولت بی‌فایده مانده و تعمیق‌بخشیدن به این ذهنیت و قبولاندن آن به تمام جوامع، با خود رشد هر چه بیشتر فکر آزادی و دموکراسی را به‌همراه می‌آورد. یا نیز امروزه در اروپا اگر مرزها از میان برداشته می‌شوند، به‌علت گسترش فکر آزادی و دموکراسی می‌باشد. این واقعیت نشان می‌دهد که اتونومی دموکراتیک یا نیز کردستان اتونوم و دموکراتیک، در اصل به‌عنوان بیان شفاف تعمیق فکر آزادی و دموکراسی و نگرش برادری خلق‌ها دیده می‌شود. در این چارچوب، بدون وجود مرزها، اما اجتماعات مختلف ملی بر اساس دموکراسی خلق‌هایی که زمانی در درون سیستم‌ها

زندگی می‌کنند، تا میدل‌نشدن به هیچ دولتی آزاد زندگی کرده و با نشان‌دادن رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، خوشبختی‌شان تا به اوج به‌پیش می‌برد.

در کردستان اتونوم و دموکراتیک با توجه به تحقق زندگی برادرانه دو خلق در یک مکان، در اینجا لازم است که توسعه فکر دموکراسی و آزاد را قبول نماییم. اندیشه دموکراسی و آزادی حداکثر نیز با فهم زندگی دیگر جوامع در یک‌جا و در هنگام تحقق آن تعمق یافته و به واقعیت می‌پیوندد. بنابراین، بیش از هرگونه سیستم دولتی، رفاه و آسایش را به‌همراه می‌آورد. در نتیجه، ذهنیت‌های دولت‌گرا خلق‌ها را به کشیدن درد واداشته‌اند. موجب زیرروشدن زندگی اقتصادی و اجتماعی گشته‌اند. اما همراه با گذار از مفهوم ملی‌گرایی و دولت‌گرایی قاطع و گسترش روابط مابین خلق‌ها و دولت‌ها، مرزها از میان برداشته شده و موجب تشکیل فدراسیون و کنفدراسیون‌ها گردید. با عدم ترجیح دولت و اصطلاحات مرزی آن، نه‌تنها در عرصه اقتصادی و اجتماعی برای انسانیت بلکه در عرصه آزادی و دموکراسی نیز تحولات مهمی پدیدار گشته‌اند. از این منظر نیز کردستان اتونوم و دموکراتیک به‌میزان صحیح و واقعی‌تر بودن از مفهوم ملت-دولت‌گرا سیستمی آزادی‌بخش و دموکراتیک می‌باشد. بنابراین، اتونومی دموکراتیک بنا به واقعیت خاورمیانه و ترکیه برای خلق‌ها می‌تواند مورد قبول واقع شده و مفیدترین مدل چاره‌یابی است.

کنفدرالیسم دموکراتیک یک سیستم سازماندهی جامعه است

اتونومی دموکراتیک در برابر دموکراسی به شکل حساسی درآمده و تأکید نمودیم که حقوق دموکراتیک اساسی جمعیت‌های مختلف اتیک و ملی یک کشور را در درون دموکراسی در نظر می‌گیرد. کنفدرالیسم دموکراتیک نیز موضوع جداگانه‌تری است؛ خودسازماندهی دموکراتیک در وسیع‌ترین شکل با شروع از درون یک جامعه می‌باشد؛ ساخت نهادهای دموکراتیک آن است؛ با آغاز از توده‌ها یک سیستم متشکل متکی بر نهادهای دموکراتیک می‌باشد. سازماندهی آنها را در هر عرصه‌ای از کمون‌های محله و روستا گرفته تا مجالس محله و شهر گسترش داده و با تشکیل یک کنگره خلق که نماینده کلی این‌ها باشد کنفدرالیسم دموکراتیک ایجاد می‌گردد. کنفدرالیسم دموکراتیک با حساسیت در برابر دموکراسی، در هر جامعه‌ای با ژرف‌شدن بینش آزادی و دموکراسی خلق‌ها همچون پلی ارتباطی، خود را در نهادهای دموکراتیک تعمیق می‌بخشد. این یک سیستم سازماندهی یک جامعه است. به ایجاد یک سیستم که اراده‌یابی نیروی بیان و تصمیم‌گیری اقشار مختلف جامعه به صورت اراده درآورده، به سازماندهی‌های دموکراتیک رسانده و با کنار هم‌آمدن این سازماندهی‌ها در یک‌جا و در چارچوب روابط کنفدرال، کنفدرالیسم دموکراتیک گفته می‌شود. در آینده در برابر کاپیتالیسم دولت‌گرا، تحمیلات از بالا، سیستم‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن و با حاکم‌بودن اراده دموکراتیک جوامع، مدل یک زندگی آلترناتیو اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. کنفدرالیسم دموکراتیک در درون هرگونه دولت و یا فدراسیونی، نهادهای یونیت و غیر یونیت، مطالبات آزادی و دموکراتیک اجتماعات و همچون ارتباط با مجادلات آن، از این لحاظ به‌عنوان آلترناتیو و یک مدل نهادهای دموکراتیک رشدیافته می‌باشد. پدیده‌ای نیست که بنا به شناخت یا عدم شناخت از سوی دولت تحقق یابد. سیستم تشکیل‌دهنده توسط خود جوامع همراه با بینش و مجادلات آنهاست. در درون سیستم دولت‌گرای کاپیتالیستی و در کنار آن با ایجاد یک سیستم، سیستم آلترناتیو آن را توسعه داده و در راستای تسلط‌یابی فعالیت می‌کند.

فراتر از این‌ها نیز سیستم جامعه‌ای است که صاحب بینش سوسیالیست - دموکراتیک و آرزومند یک جامعه کومینال - دموکراتیک بوده که ایستار ایدئولوژیک و برخورد تئوریک را در اولویت می‌بینند. کنفدرالیسم دموکراتیک به‌طور خلاصه می‌تواند این‌چنین مورد تعریف قرار گیرد. تعریف به‌عنوان سیستمی اجتماعی که بر عمیق‌ترین و پالایش‌ترین شکل آزادی، برابری، دموکراسی و عدالت قرار گرفته نیز به‌جا می‌باشد. به این می‌توان روزآمدن‌موند معاصر جامعه نئولوتیک (نوسنگی) نیز گفت که انسانیت در آن، استعمار و فشار را به‌خود ندید. به شکل مشخص نیز، می‌توان به عنوان مدل آوردن سازماندهی‌های دموکراتیک که از اراده‌های تمام اقشار اجتماعی به‌وجود آمده در قالب یک سیستم کنفدرال تعریف نمود. بر این اساس، بیانگر تحقق آزادی‌های آنها در گسترده‌ترین شکل می‌باشد.

اتونومی دموکراتیک نیز در درون هرگونه ساختار دولت‌گرا، زندگی‌های اجتماعات مختلف در درون یک دولت و یا کشوری، می‌تواند متحقق حقوق این اجتماعات توسط دولت و یا سیستم باشد. به‌عنوان مثال در درون مشکل کرد مورد تحقیق ما، حقوق کردها با دولت ترک را بیان می‌کند. درآمدن حقوق کردها در برابر دموکراسی به‌شکلی حساس، قبول‌کردن در چارچوب ترکیه و از بین‌بردن موانع فراروی تحقق این حقوق را افاده می‌نماید. از خودسازماندهی دموکراتیک این جامعه یا نیز از مدل مبتکر و خلاق سازماندهی مستقل، ارتباط آن با سیستم مذکور و یا از میان‌بردن موانع پیشروی حقوق دموکراتیک اساسی در درون آن سیستم بحث می‌نماید. از این لحاظ، کنفدرالیسم دموکراتیک همچنانکه بیانگر خودسازماندهی ذاتی جامعه اتونومی دموکراتیک می‌باشد، متحقق حقوق روابط دموکراتیک اجتماع با دولت و یا با هرگونه سیستمی می‌باشد. از این جهت، لازم است هر دو را از هم مشخص ساخت. اتونومی دموکراتیک همان کنفدرالیسم دموکراتیک نیست.

اتونومی دموکراتیک نماینده حقوق دموکراتیک اساسی اجتماعات ملی و اتنیک است. با شناخت این حقوق نیز و نابودی موانع پیشروی آن به‌بعد، خلق مورد نظر در کنار استفاده از این حقوق، بنا به مفاهیم اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خود به پیشروی‌هایی در ایجاد کنفدرالیسم دموکراتیک یا نیز قبول سیستم دموکراسی تمثیلی همچون نمونه آن در اروپا روی آورد. همچنین با دیگر مدل‌ها جهت تحقق نهادسازی دموکراتیک خود فعالیت می‌کند. کنفدرالیسم دموکراتیک نیز از جهتی یک ترجیح مرتبط با دیدگاه ایدئولوژیک و تئوریک است. توسط اتونومی دموکراتیک رسیدن به یک اجتماع با اقشار و طبقات جداگانه‌ای ممکن می‌باشد. این‌ها بنا به برخوردهای ایدئولوژیک و تئوریک خود، می‌توانند مدل‌های مختلف اجتماعی را انتخاب کنند. در واقع، صاحبان بینش سوسیالیست-دموکراتیک و کمونال، آزادیخواه‌تر، داوطلبان ایجاد سیستم دموکراتیک‌تر و ایده‌آل‌ترین مدل در راستای دموکراسی و آزادی‌خواهی به کنفدرالیسم دموکراتیک گرایش می‌یابند. برخی‌ها نیز به‌جای سیستم دموکراتیک متوسل به جامعه و خلق، با بهره‌گیری از تجربیات سیستم‌های دولت‌گرای کنونی همراه با تأثیر اقشار حاکم نه یک سازماندهی مبتنی بر توده بلکه به تداوم زندگی در درون یک سیستم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی متکی بر سازماندهی جامعه بالایی معطوف می‌شوند. این‌ها به‌عنوان ترجیحات جداگانه در درون اتونومی دموکراتیک فراروی جامعه‌ای که می‌بینید ظاهر می‌گردد. پس اتونومی دموکراتیک نام‌برده متعلق به تمام خلق است. تنها یک مدل تجربه‌شده در میان سوسیالیست‌ها، بورژواالیبرال‌ها، آنارشیست‌ها و یا آن‌های دیگر از ایدئولوژی‌های جداگانه نیست. اتونومی دموکراتیک با دربرگرفتن تمام این‌ها حقوق روابط موجود جامعه مورد نظر را با دولت تعریف می‌نماید. به‌عنوان مثال در کردستان اتونومی دموکراتیک، هم DTP و هم دیگر احزاب و اقشار مختلف اجتماعی را در درون خود جای می‌دهد. بدین ترتیب، ترکیه در برابر دموکراسی به شکل حساسی درمی‌آید. اگر برای کردها امکان تحقق اتونومی دموکراتیک فراهم آید، این حقوقی نیست که تنها با DTP ایجاد گردد بلکه حقوقی است که همراه با توسعه جامعه، تمام کردها و مفاهیم مختلف سیاسی را نیز دربر می‌گیرد. کنفدرالیسم دموکراتیک نیز سیستمی است که بیشتر گرایش جامعه و توده آن را نشان می‌دهد. مدل یک جامعه آلترناتیو است که با اراده و تلاش‌های متقاضیان گسترش یافته و وسیع‌ترین شکل تحقق آزادی و دموکراسی است. البته که کنفدرالیسم دموکراتیک برخورد تنگ طبقاتی رئال سوسیالیسم را مینا قرار نمی‌دهد. همچنین راهکارهایش مرکزیت‌گرا نیستند، بلکه بیشتر کنفدرال دموکراتیک می‌باشند.

در هنگام جهت‌دهی جامعه به ساخت سیستم کنفدرال دموکراتیک، مشاهده ترجیح‌دهندگان مدل دولت‌گرا و مدل اجتماعی جداگانه ادامه خواهد یافت؛ در درون کردستان اتونوم و دموکراتیک، اقشار مخالف با کنفدرالیسم دموکراتیک نیز به‌میان می‌آیند. در هنگام جهت‌دهی سیستم‌شدن کنفدرالیسم دموکراتیک با مفهوم سوسیالیست دموکراتیک به‌علت دوری از برخوردهای تنگ طبقاتی، این رژیم به‌شکل سیستمی درمی‌آید که در آن تمام اقشار اجتماعی بتوانند خود را افاده نمایند. البته با اساس‌گرفتن کمونالیته در زندگی اجتماعی و اقتصادی، سیستمی است که بینش کاپیتالیسم را محدود می‌سازد. این نیز نه با زور، بلکه با همه‌گیرکردن سیستم خود در درون جامعه شکل می‌گیرد. با قانع‌کردن، زندگی‌دادن و واردساختن دیگر اقشار اجتماعی نیز در مناسبات

دموکراتیک خلق که به سیستم‌شدن عطف می‌یابد و متحول‌ساختن این به مدلی که هر قشری را به حساب آورد فعالیت می‌کند. چونکه در سیستم کومینال - دموکراتیک تحمیلات زوری وجود ندارد. برعکس، با ایجاد سیستم دموکراتیک خود، سازماندهی امکانات جامعه در این شکل، تحدید مفاهیم و نهادسازی‌های دیگر سیستم و بدین‌گونه با حاکم‌ساختن سیستم خود با اراده و برخوردی دموکراتیک حرکت می‌کند.

اتونومی دموکراتیک با جمهوری دموکراتیک در تضاد نیست. اتونومی دموکراتیک با ساختار سیاسی یونینتر نیز متناقض نمی‌باشد. تنها تحقق اتونومی دموکراتیک و نهادینه‌سازی آن در ترکیه همراه با دموکراتیزاسیون جمهوری تأسیس‌شده در سال‌های 1923 می‌تواند منجر به جمهوری دموکراتیک شود. رهبری ما می‌گوید به این میتوان جمهوری سوم نیز گفت. زیرا که تعریف جمهوری دوم اشتباه درک شده و به‌عنوان متقابل ارزیابی شده بود. به‌همین دلیل، نه تقابل جمهوریت، بلکه از جنبه تفهم به‌عنوان دموکراتیزاسیون جمهوری، رهبری ما می‌گوید به جمهوری سوم، جمهوری دموکراتیک نیز می‌توان گفت. اتونومی دموکراتیک با سیستم دولت یا نیز ساختار اداری آن در این شکل و یا آن شکل ارتباطی ندارد. حال آنکه دموکراتیزاسیون جمهوری برای کردها و دیگر اجتماعات به‌معنای تحقق اتونومی دموکراتیک می‌باشد. بنابراین در تضادبودنش به‌کناری، در درون دیالکتیک دموکراتیک متقابل، دارای حرکتی است که یکدیگر را مشروط و یکی می‌سازد.

پیشتر هنگامی‌که بدان پرداختیم گفتیم که جمهوری دموکراتیک با کنفدرالیسم دموکراتیک در تضاد نمی‌باشد. این نیز یک واقعیت است که دیگر نایبستی یونینتریت همچون یونینتریت سده‌های 19 و 20 دریافته شود. در صورت رشد دموکراتیزاسیون در کشوری، ساختار به‌سوی سیستمی که خلق، خلق را بیشتر صاحب حق کرده و ساختارهای مرکزی یونینتر را تضعیف می‌سازد به‌پیش می‌رود. دموکراسی، سیستمی است که خلق را صاحب توان ساخته و نیرویش به‌تدریج در میان خلق پخش می‌گردد. بنابراین، در شیوه دموکراتیزاسیون کلاسیک، گذار از ساختارهای یونینتر شناخته‌شده را همراه خود می‌آورد. فرانسه یونینتر امروز، فرانسه یونینتر در سده‌های 19 و 20 نمی‌باشد. زیرا که در صورت توسعه دموکراتیزاسیون، بسیاری از کارهای انجام‌شده توسط ساختار مرکزی یونینتر به محلات واگذار شده است. در صورت نیرومندشدن جامعه، ساختار یونینتر را نیز پشت‌سر می‌گذارد. دیگر ساختار یونینتر مرکزی را از وضعیتی که همچون گذشته تصمیم‌گیری کرده و عملی نماید خارج می‌سازد. از این لحاظ، در صورت رشد دموکراسی در جامعه، ساختار یونینتر مرکزی با کاراکتر قبلی‌اش ضررمنند می‌شود. این وضعیت نه با عملیات‌های متمرکز به از میان‌برداشتن ساختار یونینتر، بلکه همراه با گسترش دموکراسی تحقق یافته و سیستم یونینتر شکل تازه‌ای را به‌خود می‌گیرد. به‌همین دلیل، در جایی‌که کنفدرالیسم دموکراتیک بسط یافته و سازماندهی جامعه از درون کمونی گردد، همچنین مجالس تشکیل شده و با اتکای بر این، کنگره‌های خلق برگزار شوند، ساختار یونینتر در کشوری با شکل قبلی باقی نمی‌ماند. البته که چنین مجالس و کنگره‌های خلق نیز مگر در صورت حساس‌بودن در برابر دموکراسی‌ها در کشورها بتواند توسعه یابد. بدون حساسیت در برابر دموکراسی کشورها در حقیقت، چنین سازماندهی‌هایی، فراروی خودسازماندهی خلق و تلاش‌های جهت‌دهی به زندگی خود به‌صورت مانع درمی‌آیند. ما این‌ها را در وضعیت موجود جهت حساس‌شدن دولت‌ها در برابر دموکراسی بیان می‌کنیم. با حساس‌شدن در برابر دموکراسی در واقعیت دولت، جمهوری دموکراتیک با کنفدرالیسم دموکراتیک به آسانی در کنار همدیگر به‌پیش می‌روند. این‌ها نیز برای همدیگر مانع نیستند. تنها در جایی‌که دموکراسی بدین‌شکل گسترده یابد، بستر دولت یونینتر در اشکال گذشته باقی نمی‌ماند.

کنفدرالیسم؛ شبکه مجالس اجرایی مردمی

بالاترین سطح کنگره، در قاعده کمون‌های محلی؛ کوئوپراتیوها، نهادهای جامعه مدنی، سازمان‌های مدافع حقوق بشر و شهرداری‌ها، مهمترین اجزای ساختار بنیادین ... سازماندهی‌های دموکراتیک می‌باشند. کنگره‌های خلق نه آئرناتیوی برای دولت و نه

این نوشته انتخاب بخشی از گفته‌های رهبر آپو در دیدار با وکلا است در مورد سیستم کنفدرالیسم و چارچوب کلی آن ریشه‌های بحران اجتماعی و بحران اکولوژیک را که روز به روز شدت می‌گیرند باید در اوایل تمدن جستجو کرد و این صحیح‌ترین کار است. حاکمیت و اقتدار از خودبیگانگی را به دنبال دارد و بیگانگی از طبیعت را نیز تحمیل می‌نماید. بیگانگی انسان از طبیعت آن نوع از خودبیگانگی است که خود نتیجه حاکمیت و اقتدار می‌باشد. بیگانگی از انسان و دور شدن از طبیعت همزمان با هم صورت می‌گیرند. جامعه خود پدیده‌ای اکولوژیک است. رنسانس در واقع تلاشی است برای ارتباط مجدد ذهنیتی انسان با طبیعتی که از آن گسسته است.

نقشی که باید علم و تکنولوژی در جامعه دموکراتیک - اکولوژیک ایفا کنند، نقشی اکولوژیک خواهد بود. اکولوژی خود شاخه‌ای از علم است. فلسفه انسان را به عنوان "طبیعتی که خود آگاه است" تعریف می‌کند. انسان رشد یافته‌ترین جزء طبیعت می‌باشد.

یکی شدن با طبیعت فقط جنبه اقتصادی و اجتماعی ندارد، از نظر فلسفی هم درک طبیعت اشتیاقی غیرقابل چشم‌پوشی است. انسان و طبیعت رابطه‌ای متقابل با هم دارند. طبیعت با تبدیل شدن به انسان، کنجکاو و نیروی آفرینندگی بزرگ خویش را ثابت می‌نماید و انسان نیز با درک طبیعت، شناختی از خود به دست می‌آورد.

جامعه‌ای که با طبیعت یکی نشود، نخواهد توانست راسیونالیته و اخلاق خود را حفظ کند. به همین علت سیستم‌هایی که دارای بیشترین تضادها با طبیعت هستند، از لحاظ اخلاقی و راسیونالیته دچار تضعیف شده‌اند. کائوسی که سیستم جامعه کاپیتالیستی در آن قرار دارد دارای ارتباطی دیالکتیکی با تخریب‌ها و آمده بر طبیعت و بحرانی است که آن را فراگرفته. تنها در صورت خروج و گذار از این سیستم است که می‌توان تضادهای ریشه‌ای با طبیعت را پشت سر نهاد. جنبش‌های حفاظت از محیط زیست هم به تنهایی نخواهند توانست جوابگو بوده و چاره‌ساز باشند و این از ویژگی‌های تضاد موجود نشأت می‌گیرد. از طرفی وجود جامعه‌ای اکولوژیک برای وقوع تحول اخلاقی امری ضروری است. تنها با موضعی اکولوژیک می‌توان در مقابل جوانب ضد اخلاقی کاپیتالیسم ایستاد. ارتباط اخلاق و وجدان ابعاد روحی سمپاتیک و امپاتیک می‌طلبد. این مهم، هنگامی که با تجهیزات اکولوژیک نیرومند معنا می‌یابد، ارزشمند می‌گردد. اکولوژی یعنی دوستی با طبیعت، یعنی اعتقاد به دین طبیعی. از این نظر بیانگر اتحاد مابین جامعه ارگانیک طبیعی و آگاهی نوین و بیدارگر است.

علوم اجتماعی در صورتی که با علم اکولوژی یکی نگردد، مسلماً از دور شدن از اصالت خویش و تجزیه رهایی نخواهد یافت. شعور اکولوژیک شعوری بنیادین و ایدئولوژیک است؛ به مانند پلی ما بین فلسفه و اخلاق. تنها سیاستی اکولوژیک خواهد توانست بحران کنونی را چاره‌یابی نموده و سیستم اجتماعی درستی را ارائه دهد. همانند مشکلات موجود در ارتباط با مساله آزادی زنان، در حل مسایل اکولوژیک نیز، ذهنیت مردسالار - اقتدارگرا در بنیان زندگانی‌ای پر از خطا و کجروی، دارای نقش اساسی است. با توسعه اکولوژی و فمینیسم تمام پایه‌های سیستم مردسالار - دولت‌گرا نیز تخریب می‌شوند. مبارزه‌ای واقعی در راه دموکراسی و سوسیالیسم تنها با آرمان‌های آزادی زنان و رهایی طبیعت خواهد توانست به پیروزی دست یابد. اساسی‌ترین شعار خلق‌ها این‌ها می‌باشند: ملت و میهنی آزاد، سوسیالیسمی مطابق با وسیع‌ترین عملکردهای دموکراسی (یعنی ذهنیتی برابری خواه که متکی بر برابری بوده و حقوقی باشد) آزادی عقاید دینی، تأسیس کنگره‌های دموکراتیک که تبدیل به دولت نشوند.

در بالاترین سطح کنگره، در قاعده کمون‌های محلی؛ کوئوپراتیوها، نهادهای جامعه مدنی، سازمان‌های مدافع حقوق بشر و شهرداری‌ها، مهمترین اجزای ساختار بنیادین سازماندهی‌های دموکراتیک می‌باشند. کنگره‌های خلق نه آئرناتیوی برای دولت و نه جزئی سازمانی از آن هستند. همچنین در کشورهایی که مسایل و تضادهای ملی و اتنیکیتی در آنها بارز است، مدل کنگره می‌تواند

همانند یک سپر در کاهش مشکلات نقش داشته باشد. به میزان تعدد سازمان‌ها، دموکراسی درون سازمانی نیز حداقل به اندازه معیارهای عمومی دموکراتیک ضروری است. کنگره‌های عمومی خلق با داشتن جوانب خاص خود، مدل‌های سازمانی ضروری در حل مسایل منحصر به هر خلقی هستند. در صورت فقدان کنگره‌های خلق نمی‌توان از دموکراسی خلق‌ها نیز بحثی به میان آورد.

نمی‌توان از اهمیت وجود احزاب به عنوان اساسی‌ترین سازماندهی‌های سیاسی، در استقرار دموکراسی چشم‌پوشی کرد. نهادهای جامعه مدنی شیوه سازماندهی پیشاهنگ در زمینه‌های اجتماعی هستند. در زمینه حقوقی هم، سازمان‌های دفاع از حقوق بشر، مراکز وقف و دفاتر از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. اساسی‌ترین سازماندهی‌ها در زمینه اقتصادی شامل کوئوپراتیوها، گروه‌های کاری و شغلی و شمار زیادی از مراسلات تجاری، مالی و صنعتی عام هستند. بهداشت و آموزش عمومی دو بخش ضروری در سازماندهی خلق هستند. باید به هنر و ورزش هم در سطح آموزش عمومی اهمیت خاصی داد. در سطح روستاها هیئت پیران و کدخدای روستا بدون اینکه به آلت دست دولت تبدیل شوند، باید به مثابه راهکارهایی دموکراتیک در حل و چاره‌یابی مسایل سازماندهی شوند. وجود یک "مؤسسه فرهنگی خلق" در هر روستا ضروری است. در شهرها "کمون‌ها" با ساختاری متفاوت تر از روستا بنیادی‌ترین سازماندهی می‌باشند. مجلس شهرها نیز نهادهایی کاملاً ضروری هستند. اتحادیه شهرداری‌ها در روابط بین شهری در مقیاسی منطقه‌ای از اهمیت خاصی برخوردارند. همه این نهادها و سازمان‌ها می‌توانند خود را در "کنگره عمومی خلق" که بالاترین ارگان تصمیم‌گیری است، تمثیل کنند. کنگره‌های خلق، مدل مدیریت سیستم کنفدرال دموکراتیک را در مجالس اداری تصویب کرده و آن را به اجرا می‌گذارند.

کنفدرالیسم دموکراتیک مکانیسم تصویب قانون و سیاست‌گذاری نیست، بلکه شیوه‌ای از مدیریت است که از مجالس اجرایی (اداری) شکل می‌گیرد. سیستمی مدیریتی است که با مرکزگرایی در تضاد بوده، خودکفاست و در آن روابط متقابل حاکمند. در این چارچوب کنفدرالیسم سیستم متشکل از شبکه مجالس اجرایی (اداری) است که ارتباطات و وابستگی‌های متقابل میان مناطق و بخش‌ها را نظم بخشیده و مستمر می‌سازد. مجالس اجرایی که مدیریت و اجرای امور را در کنفدرالیسم دموکراتیک بر عهده دارند، بنا به شرایط محل مربوطه از جانب مجالسی که در روستاها، قصبات و شهرها بر اساس روابط متقابل شکل گرفته‌اند، به طرق دموکراتیک انتخاب شده و در قبال این مجالس مسوولند. مجالس اجرایی موظف به اجرای سیاست‌های تعیین شده و پراکنیزه کردن مصوبات آن مجالس می‌باشند. خودشان نمی‌توانند سیاست تعیین کرده و قانونی را تصویب کنند. این مجالس اجرایی از طریق کوردیناسیون موظف به اجرای سیاست‌ها و قوانین مصوبه هستند. مجالس منتخب خلق می‌توانند اعضای مجالس اجرایی را از وظیفه خود برکنار کنند. در سیستم کنفدرالیسم دموکراتیک، باید میان سیاست‌گذاری و کوردیناسیون (اجرائیات) حتماً تفکیک و تمایز وجود داشته باشد. این سیستم می‌تواند در نظام بخشی به میزان تکامل دموکراسی محلی و مرکزگرایی (عدم مرکزگرایی) بکار رود. عرصه‌ای دیگر که باید عملی گردد اقتصاد کنفدرالی است. سیستم کنفدرال همان طور که در یک محل، یک منطقه - که چندین محل را در بر می‌گیرد - و در بعدی وسیع و گسترده قابل اجرا است، در عرصه‌ای که چندین منطقه و کشور را دربر بگیرد نیز قابل اجرا خواهد بود. ویژگی و شاخص سیستم کنفدرال دموکراتیک در تفاوت بارزی است که میان ویژگی بینشی و ذهنیتی سیستم کنفدره با مدیریت مرکزی و دولت گرا وجود دارد. صحیح‌ترین و منطقی‌ترین راه در دستیابی به سوسیالیسم - که برابری را با خود به همراه دارد - این است که در جامعه به جای حقوق اساساً اخلاق نقش داشته باشد (اخلاق جایگزین حقوق گردد)، بایستی با آموزشی آفرینش‌گر و سازنده اشتیاق به زندگی را در انسان‌ها افزود و نیز کاری کرد که جنگ به وسیله‌ای در دست انسان‌ها تبدیل نشده و روابط برادرانه و دوستانه حاکم گردند. خلق‌های خاورمیانه که سالیان متمادی در قالب نظام‌های اتنیکی مشابه جوامع کومینال و برابر زندگی کرده‌اند که اگر امروزه با امکانات علمی - تکنولوژیک مجهز گردند، جامعه‌ای دموکراتیک‌تر، اکولوژیک و بر مبنای آزادی‌خواهی جنسیتی به مثابه اصیل‌ترین ارزش معنا پیدا خواهد کرد. منطقه از دیدگاه تاریخی، دارای خصوصیتی فدراتیو است. نمی‌تواند وجود ده‌ها دولت-ملت را تحمل کند. شمار دولت‌های

موجود خود بیچارگی را به همراه دارد. مذهب، ساختار اتنیکی، طریقت‌ها و دیگر گروه‌های جمعی با وابسته کردن دولت به خود وارد مرحله تغذیه متقابل می‌گردند. بعلاوه دلایل بسیار مهم اجتماعی و تاریخی شرایط برای تأسیس کنفدرالیسم دموکراتیک را مهیا می‌گرداند. گذار از نیروهای مقتدر که منفعت خود را در ساختارهای تئوکراتیک، اتوکراتیک و آنتی‌دموکراتیک موجود می‌یابند، با توسل به نیروی عملیات دموکراتیک خلق‌ها ممکن خواهد بود. سازماندهی کنفدرال - دموکراتیک بهترین راه حل مسایل در موزائیک فرهنگ‌ها، اعتقادات و زبان‌هایی است که در هم ادغام شده‌اند.

کنفدرالیسم دموکراتیک با ایجاد سیستم ارتباطی و پیونددهنده بین بخش‌های کردستان و کردهای خارج از میهن، میان خلق‌های منطقه هم شرایط مناسب را جهت توسعه منافع متقابل و اتحادی اشتراکی فراهم خواهد آورد. بنابراین کردستان کنفدرال - دموکراتیک، کلید کنفدراسیون دموکراتیک خاورمیانه خواهد بود.

کنفدراسیون: از پروژه‌های آمریکا در خاورمیانه مطلع. این پروژه در واقع به مثابه حملات کاپیتالیسم است برای رهایی از بحرانی که گریبانگیرش شده. پاسخ من به این نکته که: در مقابل پروژه آمریکا و در برابر ملی‌گرایان ابتدایی عکس‌العمل خلق‌ها چه باید باشد، این است: پروژه‌ای که برای کردها به جای پروژه آمریکا ارایه داده‌ام، کنفدراسیون دموکراتیک کردستان است. این، پروژه بنیادین من است. در مقابل سیاست کردستان فدراتیو که آمریکا در حال اجرای آن است، این مدل، پروژه‌ای است که کردها بایستی آن را به اجرا درآورند. پیشنهاد من دولت - ملت نیست. پروژه خاص من دولتی فدراتیو و دولت - ملتی مرکزی را شامل نمی‌شود. مدلی را که پیشنهاد می‌کنم به هیچ عنوان دولت‌گرا نبوده و تسلیم آن نیز نخواهد شد. این مدل را برای همه بخش‌های کردستان ارایه می‌نمایم. کنگره خلق هسته اساسی و پیشاهنگ در این مدل است. باید همچو یک اصطلاح، سازماندهی و تئوری مورد بحث و مناقشه قرار بگیرد. می‌توان به آماده‌سازی آن پرداخت. بحث‌های کنونی باید ادامه یابند و بعداً به عنوان یک پروژه در مورد آن می‌توان تصمیم گرفت.